

آسیب‌شناسی روشی و مبنایی ابن حجر عسقلانی در کتاب «تبیین العجب بما وُرد فی شهر رجب»

علی غفارزاده * (استادیار مرکز معارف اسلامی دانشگاه اصفهان)

a.ghafarzadeh@ltr.ui.ac.ir.

مهدی پیچان (دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس تهران)

mehdi - pichan@modares.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۱۵

چکیده

ابن حجر عسقلانی در کتاب تبیین العجب بما وُرد فی شهر رجب، با رویکردی سخت‌گیرانه و با تکیه انحصاری بر نقد سندی، بیشتر روایات فضائل ماه رجب را طرد کرده است. این رویکرد صرفاً سنده‌محور با چارچوب‌های جایگزین در مطالعه روایات فضائل، مانند نقد متنی و مبنایی‌ای چون قاعده تسامح در ادله سنن، در تعارض است؛ همچنین پاسخگوی نیازهای عینی جامعه در تبیین این اعمال نیست. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و رویکرد نقد درونی، در پی شناسایی آسیب‌های روشی و مبنایی رویکرد ابن حجر و تأثیر آن بر استنباط حکم عملی از این روایات است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد دیدگاه ابن حجر از سه آسیب بنیادین رنج می‌برد: ۱. خلط روشی میان «حدیث ضعیف» و «حدیث موضوع» و طرد کلی آن‌ها؛ ۲. نقص روشی در نتیجه اغفال نقد محتوایی و تکیه یک‌سویه به نقد سندی؛ ۳. اشکال مبنایی در عدم تفکیک حوزه‌های مختلف روایات مانند: احکام و فضائل، و در نتیجه، انکار قواعدی مانند تسامح. در نهایت، مقاله ضمن نقد این رویکرد، به تبیین پیامد عملی می‌پردازد که بر اساس آن، ضعف سندی به‌طور مطلق به معنای نفی هرگونه ترغیب عملی نیست و در فضای ادله سنن و با انگیزه «رجاء» و «امید ثواب» می‌توان به برخی از این روایات عمل کرد.

کلیدواژه‌ها: ابن حجر عسقلانی، تبیین العجب بما وُرد فی شهر رجب، روایات فضائل، نقد سندی، تسامح در ادله سنن، روش‌شناسی حدیثی.

مقدمه

احمد بن علی کنانی مشهور به «ابن حجر عسقلانی» (۷۷۳ - ۸۵۲ ق) فقیه، محدث، رجالی و مؤرخ بزرگ اهل سنت است. از او با القابی چون «حافظ العصر»، «شیخ الاسلام» و «امیرالمؤمنین در حدیث» یاد کرده‌اند (ابن تغری، ۱۳۹۱: ۵۳۲/۱۵). او در میان حافظان بزرگ حدیث نبوی در زمره بزرگانی چون: ابونعیم اصفهانی، دارقطنی، خطیب بغدادی و شمس‌الدین ذهبی قرار دارد (ر.ک: ابن عماد، ۱۳۵۰: ۲۷۰/۷). وی یکی از پرکارترین مؤلفان جهان اسلام است. تألیفات ابن حجر عمدتاً در حوزه حدیث، رجال و تاریخ است. فتح الباری بشرح حدیث البخاری، لسان‌المیزان، الدرر الكامنة فی اعیان المائة الثامنة و الإصابة فی تمييز الصحابة از جمله برجسته‌ترین آثار اوست (ر.ک: سخاوی، ۱۴۱۹: ۶۷۵/۲ - ۶۸۵). از دیگر نگاشته‌های او که به طور مشخص مورد تحقیق این مقاله است، کتاب تبیین العجب بما ورد فی شهر رجب است. ابن حجر انگیزه خویش از تألیف این کتاب را درخواست‌های مکرر برادران دینی خود دانسته که از او خواستار نوشته‌ای درباره صحت احادیث وارده پیرامون فضیلت ماه رجب شدند (ابن حجر عسقلانی، بی‌تا: ۲۱).

وی در ادامه و به گونه‌ای مبسوط به ارزیابی روایات وارده در خصوص فضیلت ماه رجب و آداب و مناسک مستحب آن پرداخته است. از آنجایی که خصوصاً در سال‌های اخیر توجه به فضیلت ماه رجب و اعمال مستحبی آن پررنگ‌تر شده، ضروری می‌نماید تا روایات وارده در این باره بررسی و ارزیابی شود. به همین سبب، در این مقاله برآنیم تا با محوریت کتاب تبیین العجب بما ورد فی شهر رجب از ابن حجر عسقلانی، به دو پرسش اساسی پاسخ دهیم: الف. اشکالات روشی و مبنایی ابن حجر در مواجهه با اخبار وارده درباره فضایل و اعمال ماه رجب در کتاب یاد شده کدامند؟ ب. طریقه صحیح مواجهه با روایات فضایل و اعمال ماه رجب چگونه است؟

۱. پیشینه پژوهش

در خصوص پیشینه این تحقیق باید خاطر نشان کرد که تا کنون آثار معدودی به منظور ارزیابی و اعتبارسنجی روایات فضیلت ماه رجب، ادعیه و اعمال وارده در آن تألیف شده است. برخی از این آثار به ترتیب تاریخ نشر از این قرارند: «کاوشی در دعای ام‌داوود» (ربیع نتاج و اکبری، ۱۳۹۱)،

«بررسی اعتبار روایت لیلۃ الرغائب و تحقیق در معنای رغائب» (طیب حسینی، ۱۳۹۷)، «اعتبارسنجی و ارزش‌گذاری دعای ولّاه امر در ادعیه ماه رجب» (بستانی و خنشا، ۱۳۹۹)، «بررسی و داوری ادله بی اعتباری روایت لیلۃ الرغائب» (ژیان، ۱۳۹۹)، «بررسی تحلیلی سند و متن دعای رجبیه امام صادق (ع)» (کریمی مقدم، ۱۴۰۰)، «متن کاوی، اعتبارسنجی و دلالت پژوهی روایات دعای یا مَنْ أَرْجُوهُ لِكُلِّ خَيْرٍ» (غفوری‌نژاد، ۱۴۰۰)، «اعتبارسنجی و پاسخ به شبهات دعای یا مَنْ أَرْجُوهُ با رویکرد تحلیلی» (سبحانی و محرمی، ۱۴۰۳). علامه محمدتقی شوشتری نیز در بخشی از کتاب خویش با عنوان الأخبار الدخیلة (۱۴۳۹ق) به نقد و بررسی برخی از ادعیه ماه رجب پرداخته است. با این اوصاف باید گفت که اگرچه تاکنون آثاری به صورت مستقل یا غیرمستقل به بحث درباره اعتبارسنجی روایات ماه رجب پرداخته‌اند، اما در هیچ یک از این آثار توجهی به کتاب تبیین العجب بما وُرد فی شهر رجب ابن حجر عسقلانی از محدثان و رجالیان بزرگ اهل سنت نشده است. بنابراین می‌توان گفت مقاله حاضر سابقه پژوهشی نداشته و تحقیقی جدید در این حوزه به حساب می‌آید.

۲. تبیین دیدگاه ابن حجر عسقلانی

طبق باور ابن حجر عسقلانی درباره اخبار فضایل ماه رجب، روزه‌داری و شب‌زنده‌داری آن، روایت صحیحی که صلاحیت و حجّیت عمل داشته باشد، وارد نشده است. وی با ردّ قائلین به تسامح در پذیرش روایات فضائل، به نقل از استاد خویش ابومحمد بن عبدالسلام، روایت نبوی را بیان داشته که «مَنْ حَدَّثَ عَنِّي بِحَدِيثٍ يُرَى أَنَّهُ كَذِبٌ فَهُوَ أَحَدُ الْكَذَّابِينَ». وی در شرح این حدیث اذعان می‌دارد اگر نقل‌کننده چنین حدیثی از دروغگویان به شمار آید، پس به طریق اولی، عمل‌کننده به این روایت نیز در زمره دروغگویان خواهد بود. از طرف دیگر، نقد دیگری که بر عاملان به احادیث ضعیف فضائل وارد می‌کند آن است که ایشان به طور تدریجی و در اثر تکرار این نوع روایات، کم‌کم گمان می‌کنند که این روایات سنتی از سنن شرع بوده و فراموش می‌کنند که این روایتی ضعیف است. ابن حجر برخلاف این نظر مشهور، تفاوتی میان عمل به حدیث در حوزه احکام با فضایل نگذاشته و هر دو دسته را بیانگر شرع دانسته است (ابن حجر، بی‌تا: ۲۴ - ۲۶). ملاک و معیار ابن حجر در نقد روایات همانند بسیاری از محدثان اهل سنت، تمرکز بر نقد رجالی و جرح و تعدیل راویان است. وی احادیث وارده درباره

فضیلت ماه رجب را به دو قسم ضعیف و موضوع تقسیم کرده و در هر مورد سعی بر آن داشته تا طرق مختلف آن روایت را نیز بیاورد.

۱ - ۲. احادیث ضعیف ماه رجب

نمونه‌هایی از احادیث ضعیف از دید وی عبارت‌اند از:

الف. ابوالحسن بن عقیل از ابوالفرج بن قدامة از احمد بن عبدالدائم از یحیی بن محمود از ابوالقاسم التیمی از سلیمان بن ابراهیم از ابوسعید نقاش از ابواحمد عسال از احمد بن فارس از محمد بن اسماعیل بخاری از محمد بن مغیره بن بسام از منصور بن زید از موسی بن عبدالله بن یزید انصاری از انس بن مالک چنین نقل کرده که «إِنَّ فِي الْجَنَّةِ نَهْرًا يُقَالُ لَهُ رَجَبٌ مَاؤُهُ أَشَدُّ بَيَاضًا مِنَ اللَّبَنِ وَأَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ مَنْ صَامَ يَوْمًا مِنْ رَجَبٍ سَقَاهُ اللَّهُ مِنْ ذَلِكَ النَّهْرِ». افزون بر این طریق که ابن حجر آن را به نقل از کتاب الترغیب و الترهیب حافظ ابوالقاسم التیمی آورده، وی کتب دیگر بیانگر این روایت را با تبیین دقیق تفاوت در راویان آورده است؛ به نقل از ابوسعید محمد بن علی بن عمرو النقاش الاصبهانی در کتاب فضل الصیام، به روایت ابوالشیخ عبدالله بن محمد بن جعفر در کتاب فضل الصوم، به نقل از بیهقی در کتاب فضائل الأوقات، از کتاب أمالی ابی محمد الجوهری و روایت ابن شاهین در کتاب الترغیب و الترهیب (همان: ۳۳ - ۳۴).

ابن حجر به طور یک به یک به ارزیابی و جرح و تعدیل راویان حدیث از منظر رجالی پرداخته و در این امر، اقوال حاوی مدح و ذم ایشان را آورده و فقط به بیان شرح حال ضعفا بسنده نکرده؛ بلکه توثیق شدگان از راویان را نیز معرفی می‌کند. وی موسی بن عبدالله بن یزید انصاری را ثقه دانسته که مسلم و دیگران از او روایت کرده‌اند؛ اما موسی بن عمران را فردی مجهول دانسته و بعد اشاره داشته احتمال زیاد تصحیفی در اینجا رخ داده؛ چرا که موسی ابا عمران فردی شناخته شده بوده و شاید منظور این شخص باشد. سپس منصور بن زید را کسی دانسته که جرح و تعدیلی از متقدمان پیرامون وی صادر نشده و بعد اشاره می‌دارد هرچند ذهبی در المیزان او را منصور بن یزید معرفی کرده، اما با بررسی راویانی که از او روایت کرده‌اند، مشخص می‌کند این دو نفر در واقع یک نفر بوده و اصل همان منصور بن زید است. در نهایت با استناد به ثقات ابن حبان و الکامل ابن عدی، جرح و ذم محمد بن المغیره را آورده و عاقبت حدیث را ضعیفی دانسته که

نمی‌توان دقیقاً آن را موضوع دانست. سپس طریقه دیگر این روایت را از ابوعبدالله بن فتحویه از عبدالله بن شنبه از سیف بن المبارک از عمرو بن حمید القاضی از کثیر بن سلیم از انس بن مالک نقل کرده و به طور کلی با بیان اینکه در این سند، افراد مجهول الحال وجود داشته، آن را ضعیف دانسته است (همان: ۳۵ - ۳۷).

ب. احمد بن مالک قشیری از زائدة بن ابی الرقاد از زیاد النمیری از انس بن مالک چنین نقل کرده‌اند که: وقتی ماه رجب فرا می‌رسید رسول خدا ﷺ چنین می‌فرمودند: «اللهم بارک لنا فی رجب و شعبان و بلغنا رمضان». ابن حجر این روایت را به نقل ابوبکر البزار در مسند، طبرانی در الأوسط، بیهقی در فضائل الأوقات و یوسف القاضی در الصیام آورده و این روایت را به دلیل حضور زائدة بن ابی الرقاد ضعیف دانسته؛ زیرا بخاری، نسائی و ابن حبان او را منکر الحدیث خوانده‌اند که خبرش صلاحیت احتجاج ندارد (ابن حجر، بی‌تا: ۳۸).

۲-۲. احادیث موضوع ماه رجب

دسته دوم احادیثی هستند که از منظر ابن حجر، موضوع و ساختگی هستند. وی هدف از آوردن این روایات را توجّه دادن به آن به منظور فریفته نشدن نسبت به محتوای آنها دانسته است. نمونه‌ای از این احادیث عبارت‌اند از:

الف. به نقل از عبدالجبار بن ابراهیم بن مندة از هبة الله بن عبدالوارث الشیرازی از عبدالصمد بن الحسن الحافظ از احمد بن عبدالله بن عبدالوهاب از محمد بن خشرم از ابوالفضل از احمد بن محمد بن سعید از ابوسلیمان المرجانی از حجر بن هشام از عثمان بن عطاء از ابن عباس از رسول الله ﷺ چنین آورده که: «مَنْ صَامَ يَوْمًا مِنْ رَجَبٍ وَ صَلَّى فِيهِ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ يَقْرَأَ فِي أَوَّلِ رَكْعَةٍ مِائَةَ آيَةِ الْكَرْسِيِّ وَ فِي الرُّكْعَةِ الثَّانِيَةِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ مِائَةَ مَرَّةٍ لَمْ يَمِتْ حَتَّى يَرَى مَقْعَدَهُ مِنَ الْجَنَّةِ أَوْ يَرَى لَهُ». وی اکثر روایان روایت را مجهول و عثمان را متروک الحدیث نزد محدثان دانسته است (همان: ۵۱).

ب. عیسی غنجار از ابان بن سفیان از غالب بن عبیدالله از عطاء از عایشه از رسول خدا ﷺ نقل کرده‌اند که: «رجب شهر الله و يدعى الأصم و كان أهل الجاهلية إذا دخل رجب يعطلون أسلحتهم و يضعونها فكان الناس يأمنون و تأمن السبل و لا يخافون بعضهم بعضاً حتى ينقضى».

ابن حجر مفاد متن روایت را صحیح دانسته، اما انتساب آن به رسول الله ﷺ را به دلیل معروف بودن اَبان بن سفیان و غالب بن عبدالله به وضع و جعل، صحیح نمی‌داند (همان: ۴۶).

ج. ابوبکر النقاش از احمد بن عباس طبری از کسائی از ابومعاویه از اعمش از ابراهیم از علقمة از ابوسعید خدری چنین نقل کرده‌اند که: «رجب شهر الله و شعبان شهری و رمضان شهر اُمّی». ابن حجر دلیل موضوع بودن این روایت را عدم سماع علقمة از ابوسعید خدری دانسته و با ناشناس بودن کسائی یادشده در سند، او را علی بن حمزة المقدسی ندانسته؛ زیرا از منظر طبقه راویان، وی بسیار متقدم‌تر است (همان: ۴۱).

د. علی بن عبیدالله بن الزاغوفی از عبدالله بن عبدالملک اصفهانی از عبدالرحمن بن محمد بن اسحاق بن منده و محمد بن ناصر از ابوالقاسم بن منده از علی بن عبدالله بن جهضم صوفی از علی بن محمد بن سعید بصری از پدرش از خلف بن عبدالله حمید الطویل از انس بن مالک از رسول خدا ﷺ حدیثی در خصوص فضیلت نماز مخصوص لیلة الرغائب نقل کرده‌اند که بخشی از آن این چنین است: «... ولكن لا تغفلوا عن أوّل لیلة جمعة فی رجب فإنّها لیلة تسمیها الملائكة لیلة الرغائب و ذلك أنّه إذا مضى ثلث اللیل لم یبق ملک فی السماوات و الأرض ألاّ یجتمعون فی الکعبة و حوالیها و یطلع الله علیهم إطلاعة فیقول لهم یا ملائکتی سلونی ما شئتم فیقولون ربّنا حاجتنا إلیک أن تغفر لصوام رجب فیقول الله تعالی قد فعلت ذلك ثم قال رسول الله ﷺ ما من أحد صام یوم الخمیس أوّل خمیس من رجب ثمّ یصلّی بین العشاء و العتمة...». ابن حجر این روایت را به دلیل انتساب ابوالقاسم علی بن عبدالله بن جهضم صوفی به کذب و جعل و مجهول خواندن راویان این روایت به نقل از شیخ خویش عبدالوهاب الحافظ، جعلی برشمرده است. همچنین وی این حدیث را از کتاب فضل رجب ابومحمد عبدالعزیز الکنانی بیان کرده و خطای او را در گمان صحّت این حدیث ذکر کرده؛ چرا که در آن سند ابن جهضم به دلیل شهرتش به وضع حدیث حذف شده و حدیث از طریق شیخش نقل گشته است و عبدالعزیز الکنانی گمان کرده این حدیث از طریق غیر از ابن جهضم نقل شده است. هرچند با حذف این راوی، باز اشکال به راویان سند به دلیل مجهول بودن وارد است (همان: ۵۵).

از دیگر راویانی که ابن حجر حضور ایشان در سلسله سند روایات این مجموعه را دلیلی بر

وضعی و جعلی دانستن روایت برشمرده، عبارت‌اند از: ابوالبرکات بن المبارک السقطی، اسحاق بن ابراهیم الختلی، حسین بن ابراهیم، حکم بن مروان، هیاج ابن بسطام الهروی، داود بن المحبر و علاء بن خالد (همان: ۵۶ - ۶۷).

۳. آسیب‌شناسی روش و مبنای ابن حجر عسقلانی در مواجهه با روایات فضایل ماه رجب

نظریات ابن حجر در مواجهه با روایات فضایل ماه رجب در کتاب تبیین العجب بما ورد فی شهر رجب، از دو منظر روشی و مبنایی قابل خدشه است.

۱ - ۳. آسیب‌شناسی روش ابن حجر عسقلانی

خلط احادیث ضعیف با احادیث موضوع و نادیده گرفتن نقد متنی احادیث توأم با نقد سندی و رجالی آنها، دو اشکال روشی ابن حجر در مواجهه با روایات ماه رجب است.

۱ - ۱ - ۳. خلط احادیث ضعیف با احادیث موضوع

ابن حجر در برخی موارد ضعف سند به دلیل وجود راویان مجهول الحال، ارسال و عدم سماع راوی را با موضوع دانستن حدیث خلط کرده و برخی روایات را صرفاً به دلیل نداشتن سند معتبر در زمره موضوعات قرار داده است. حال آنکه رواست چنین روایاتی را در شمار احادیث ضعیف قرار دهد و نه موضوع؛ اشکالی که بر ابن جوزی صاحب کتاب الموضوعات به عنوان یکی از برجسته‌ترین آثار در حوزه احادیث ساختگی و جعلی نیز وارد شده است. صنعانی، ذهبی، ابن قیّم جوزیه، سیوطی و آلبانی از جمله افرادی هستند که با خرده‌گیری بر ابن جوزی، برخی از احادیث را که او در زمره موضوعات قرار داده، ملحق به مجموعه احادیث ضعیف، حسن و حتی صحیح دانسته‌اند (غروی نائینی، ۱۳۹۸: ۶۸). همین اشکال بر عملکرد و روش ابن حجر در تحلیل روایات ماه رجب نیز وارد است. توضیح آنکه علمای فریقین با اندک تفاوت در تعابیر، خبر واحد را با توجه به پذیرش یا عدم پذیرش آن، به چهار دسته مقبول، معتبر، مردود و موضوع تقسیم می‌کنند (نفیسی، ۱۳۹۴: ۲۸۵). احادیث به دلایل مختلفی ضعیف تلقی می‌شوند. در مواردی سند آنها اتصال ندارد و در مواردی راوی، فرد معتبر و شناخته‌شده‌ای نیست. تمام دلایل ضعف یک روایت در یک مرتبه نیست. با این همه براساس هیچ یک از اشکالات مختلفی که موجب ضعف حدیث می‌شوند نمی‌توان به موضوع و ساختگی بودن حدیث حکم داد و کاملاً آن را رد کرد. این معایب

صرفاً اعتماد ما را به صحت صدور حدیث کاهش می‌دهند (مامقانی، ۱۴۱۱: ۳۹۹/۱ و ۴۰۰). وجود متهمان در میان راویان یک روایت، آن را در معرض اتهام و تردید قرار می‌دهد و چنین نیست که صرف وجود فردی کذاب یا منحرف در سلسله سند روایت، جعلی بودن آن را ثابت کند. این امکان وجود دارد که انسان دروغگو نیز در مواقعی راست بگوید. با چنین وضعیتی حق نخواهد بود که اگر گاهی اوقات راوی دروغ گفت یا مجهول الحال بود یا متصف به صفاتی ناشایست بود که موجب عدم اطمینان به روایتش می‌گردد، روایات او تماماً مردود شمرده شود. بنابراین در برخورد با چنین روایاتی واری و واقع‌بینانه لازم است (معروف حسنی، ۱۴۲۹: ۲۹۸ و ۳۰۴). ضعف‌هایی مانند ارسال، انقطاع و ضابط نبودن راوی که به سبب فاصله زمانی میان ما و زمان صدور و نقل روایات آسیبی طبیعی به حساب می‌آید و نیز نبود عدالت در راوی، تنها اطمینان ما را از حدیث سلب می‌کند، نه آنکه اطمینان به موضوع بودن آن را فراهم سازد؛ بنابراین ضعف حدیث حتی در حالت‌های شدید آن مستلزم موضوع بودن حدیث نیست. حتی در روایت منکر که راوی آن ضعیف و روایت نیز مخالف مشهور است نمی‌توان چنین روایتی را به حکم قطعی، موضوع به حساب آورد. بنای اصلی حکم به جعل، همچون حکم به صحت، اطمینان عقلایی است (مسعودی، ۱۳۹۴: ۹ - ۱۱). چه بسا حدیثی به لحاظ سند ضعیف باشد، اما با توجه به شواهد و قرائن دیگر، متن آن پذیرفته شود و مورد عمل قرار گیرد و این چنین در زمره احادیث مقبول واقع شود (شهید ثانی، ۱۳۸۱: ۹۰ و ۹۱).

فشرده سخن آنکه، شناخت و حکم دادن به ساختگی بودن یک حدیث، امری دشوار و در عین حال حساس است که محدثان به طرق مختلف دستیابی به آن را اشاره کرده‌اند. اگرچه وضعیت راوی و وجود انگیزه‌های سیاسی و مذهبی برای او و در مجموع بررسی‌های سندی از جمله قرائن راه‌گشا برای تشخیص موضوع بودن یک حدیث به شمار می‌آید، اما بررسی مخالفت متن حدیث با دلایل قطعی نظیر: مخالفت با قرآن، سنت قطعی و عقل، نقش جدی‌تری را در مبنای دآوری موضوع بودن یک حدیث ایفا می‌کند (نفیسی، ۱۳۹۴: ۲۹۱ و ۲۹۲)؛ امری که در عملکرد ابن حجر دیده نمی‌شود آنچنان که وی تنها با استناد به بررسی سندی احادیث، به گونه‌ای ناروا حکم به موضوع بودن آنها داده است.

۲ - ۱ - ۳. نادیده گرفتن نقد متنی احادیث

دقت در روش ابن حجر نشان می‌دهد که وی صرفاً از منظر سندی و رجالی به بررسی روایات پرداخته و چندان به نقد محتوایی و متنی احادیث اهتمامی نداشته است. حال آنکه اگرچه بررسی سند شرط لازم برای نقد احادیث به شمار می‌آید، اما شرط کافی نیست (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷: ۶۹/۱؛ حرّعاملی، ۱۴۰۹: ۱۲۳/۲۷؛ طباطبایی، ۱۳۹۳: ۲۳۵/۱). بسنده کردن به بررسی سندی روایات برای پذیرش یا عدم پذیرش آن کفایت نمی‌کند؛ زیرا چه بسا سند روایتی صحیح نباشد، اما مضمون و محتوای آن به گونه‌ای باشد که روایات دیگر، آن را تصدیق نماید یا لااقل تکذیب نکند؛ همان گونه که عکس این مطلب نیز صادق است و احتمال دارد حدیثی از حیث سندی صحیح باشد، اما متن آن با قرآن، سنت قطعی و عقل مخالف باشد (سید علوی، ۱۳۷۸: ۱۷۰/۲).

حدیث مقبول که در تقسیم‌بندی خبر واحد بر اساس پذیرش یا عدم پذیرش جای می‌گیرد، شاهی بر این مطلب است. در شرح تعریف این حدیث چنین آمده که متن آن پذیرفته شده و مورد عمل قرار گرفته است. در تعریف این حدیث، تأکید و توجه به پذیرفته شدن متن حدیث با صرف نظر از وضعیت سندی آن است. چه بسا حدیثی به لحاظ سند ضعیف باشد، اما با توجه به قرائن پذیرفته شود (میرداماد، ۱۴۲۲: ۲۴۳)؛ امری که به خصوص در عملکرد محدثان متقدم شیعه دیده می‌شود به گونه‌ای که ایشان در بررسی‌های خود درباره صحت و ضعف احادیث صرفاً به بررسی سندی اکتفا نمی‌کردند؛ بلکه قرائن دیگری را لحاظ می‌کردند و با توجه به آن، روایتی را که بدان عمل می‌شده، صحیح و غیر آن را ضعیف می‌نامیدند (ر.ک: نفیسی، ۱۳۹۴: ۸۱). در نتیجه باید گفت ملاک‌هایی که توجه ناقد حدیث را صرفاً متوجه سند حدیث می‌نماید، اگرچه لازم است، لکن هرگز کافی نیست و در نقد حدیث افزون بر ملاک‌های اسنادی به ملاک‌های نقد متنی نیز باید توجه لازم مبذول گردد (ر.ک: ایزدی، ۱۳۹۰: ۵ - ۲۶)؛ اقدامی که در روش ابن حجر در مواجهه با روایات فضائل ماه رجب در کتاب تبیین العجب بما ورد فی شهر رجب دیده نمی‌شود و منجر به سستی رأی او در این باره شده است.

۲ - ۳. آسیب‌شناسی مبنای ابن حجر عسقلانی

از منظر مبنایی، نگاه ناصواب او درباره قاعده تسامح در ادله سنن، قابل نقد است.

۱ - ۲ - ۳. نگاه ناصواب در مواجهه با روایات حوزه فضایل

نوع نگاه ابن حجر درباره پذیرش روایات حوزه فضایل، از دیگر مؤلفه‌های قابل نقد دیدگاه او از منظر مبنایی است. همان‌گونه که گذشت، وی با رد دیدگاه قائلان به تسامح در پذیرش روایات فضایل، ملاک و معیار عمل به روایات فضایل را همچون روایات احکام می‌داند. سخن در خصوص دیدگاه ابن حجر در این باره پیوند وثیقی با دو مبحث «روایات مَنْ بَلَغَ» و «قاعده تسامح در ادله سنن» دارد. مراد از قاعده تسامح در ادله سنن، سخت نگرفتن به لحاظ شرایط حجّیت در ادله‌ای است که احکام غیر الزامی از آن استنباط می‌شود. بیشتر عالمان فقه و اصول صراحتاً یا تلویحاً در اثبات قاعده تسامح در ادله سنن، به روایات «مَنْ بَلَغَ» استناد نموده‌اند (ر.ک: انصاری، ۱۴۱۴: ۱۳۷؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۱۵/۸؛ حرّعاملی، ۱۴۱۸: ۶۱۷/۱). سبب شهرت این روایات به «مَنْ بَلَغَ» از آن روست که با عبارت «مَنْ بَلَغَهُ» آغاز می‌شوند. این روایات در جوامع حدیثی شیعه توسط هشام بن سالم، محمد بن مروان و صفوان از صادقین علیهم‌السلام نقل شده‌اند (ر.ک: برقی، ۱۳۷۱: ۲۵/۱؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۸۷/۲؛ صدوق، ۱۴۰۶: ۱۳۲). افزون بر مصادر شیعی، در منابع حدیثی اهل سنت نیز این روایت از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل شده است (ر.ک: ابن عرفة، ۱۴۰۶: ۷۸؛ ابویعلی، ۱۴۰۴: ۱۶۳/۶). ابن فهد حلی پس از نقل احادیث «مَنْ بَلَغَ» از منابع شیعی، گزارشی از منابع اهل سنت آورده تا نشان دهد این مطلب مورد اتفاق نزد علمای فریقین است (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷: ۱۳).

به لحاظ اعتبار منبع نقل، روایات «مَنْ بَلَغَ» معتبرند؛ چراکه در منابع حدیثی کهن شیعه (المحاسن، الکافی و ثواب الأعمال و عقاب الأعمال) نقل شده‌اند؛ اما از منظر سندی و رجالی، با توجه به مجهول بودن محمد بن مروان، عمران زعفرانی و علی بن موسی کمیدانی (ر.ک: کتب رجالی ثمانیه شیعه)، پاره‌ای از این روایات ضعیف‌السند هستند. با این اوصاف اما می‌توان گفت لااقل یک روایت از میان روایات «مَنْ بَلَغَ» دارای صحت سندی بوده و آن، این روایت است: «عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ مَنْ سَمِعَ شَيْئاً مِنَ الثَّوَابِ عَلَى شَيْءٍ فَصَنَعَهُ كَانَ لَهُ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ عَلَى مَا بَلَغَهُ؛ هر کسی بشنود که چیزی ثواب دارد و آن‌گاه آن را انجام دهد، پس برای اوست اگر چه آن‌گونه که به او رسیده نباشد»

(کلینی، ۱۴۰۷: ۸۷/۲). بنابراین با عنایت به صحیح‌السند بودن این روایت که به واسطهٔ احادیث دیگر این باب تقویت می‌شود، اطمینان به صدور این احادیث حاصل شده و تردیدی در اعتبار آنها نیست. با توجه به اجماع در پذیرش سند روایات «مَنْ بَلَغَ»، اساس بحث در میان علما دربارهٔ دلالت این اخبار است؛ زیرا احادیث فراوانی با اسانید متفاوت وجود دارد که به ما دستور می‌دهند در صورت نفهمیدن حدیث، آن را تکذیب نکنیم و علمش را به اهلش واگذاریم؛ زیرا شاید واقعاً آن حدیث صادر شده باشد و امام مقصودی داشته است که ما آن را درست درک نکرده‌ایم. به عبارت دیگر، اگر سند حدیثی صحیح بود، ولی دلالتش از دید ما اشکال داشت، نفهمیدن دلالت یا مشتبّه بودن آن نباید مجوز تکذیب حدیث باشد، مگر این که مضمون آن، صریحاً مخالف بداهت عقل باشد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۸۲/۲ - ۲۱۲).

مروری اجمالی بر ابواب مختلف فقه، حاکی از آن است که عدّهٔ کثیری از فقها به استحباب و کراهت اعمال فراوانی مبتنی بر قاعدهٔ تسامح در ادلهٔ سنن حکم کرده‌اند (فاضل هندی، ۱۴۰۵: ۷/۱؛ نجفی، ۱۳۶۳: ۳۱/۱؛ بحرانی، ۱۳۷۹: ۵۳/۲؛ نراقی، ۱۴۰۸: ۵۷۸/۲؛ شهیدثانی، ۱۴۱۳: ۵۱۴/۱۲). دقت در عملکرد این فقیهان، گویای آن است که ایشان در راستای اثبات قاعدهٔ یادشده بیش از هر چیز به روایات «مَنْ بَلَغَ» استناد کرده‌اند، به گونه‌ای که در پرتو استدلال به این روایات، آثار متعددی با عنوان «التسامح فی أدلة السنن» به رشتهٔ تحریر در آمده است (طهرانی، ۱۴۰۳: ۱۷۳/۴ و ۱۷۴). ابن فهد حلی پس از نقل احادیثی از منابع شیعه و اهل سنت تصریح می‌دارد که پذیرش تسامح در ادلهٔ سنن مورد اجماع و اتفاق نزد علمای خاصه و عامه است (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷: ۸۳).

طبق این دیدگاه مشهور، فقیهان فریقین در دلیل مربوط به وجوب و حرمت، دقت نظر به خرج می‌دهند و جز بر دلیل شرعی معتبر اعتماد نمی‌کنند، برخلاف امور مستحبی و مکروه که بر دلیل غیر معتبر از قبیل خبر ضعیف، فتوای فقیه واحد و مانند آنها نیز اعتماد می‌کنند (مراغی، ۱۴۱۷: ۱۳۳/۱؛ نووی، ۱۴۱۴: ۲۴۸). چنان که هویدا است بازگشت این سخن به الغای شرایط حجّیت خبر واحد در احکام غیر الزامی است و روایات «مَنْ بَلَغَ» ناظر به این معنا هستند که در اخباری که دلالت بر استحباب و کراهت دارند، شرایط حجّیت از قبیل عادل و مسلمان بودن

راوی مُلغاست (نائینی، ۱۴۰۹: ۴۱۳/۲). فقهای برجسته‌ای همچون شهید اول، شهید ثانی، محقق سبزواری، محقق خوانساری و صاحب ریاض از طرفداران این دیدگاه به حساب می‌آیند (ر.ک: شهید اول، ۱۴۱۹: ۳۴/۲؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۱۳۸/۱ و ج ۴۷/۲؛ سبزواری، ۱۲۷۴: ۴/۱؛ خوانساری، ۱۳۱۱: ۲۱/۱؛ طباطبایی، ۱۴۰۴: ۹۱/۱).

فقهای اهل سنت نیز با اندکی تفاوت در تعبیر، تسامح در احکام غیر الزامی را روا دانسته‌اند (ر.ک: نووی، ۱۴۱۷: ۶۵۵/۱؛ مناوی، ۱۴۱۵: ۵۱/۶؛ بکری دمیاطی، ۱۴۱۸: ۱۶/۲). صاحب مغنی المحتاج بیان می‌دارد که در مواجهه با احادیث مرسل، موقوف و ضعیف، چنانچه موضوع آنها «فضائل الأعمال» باشد مسامحه می‌شود و به مقتضای آنها عمل می‌گردد (شرینی، ۱۳۷۷: ۴۰/۱). صبحی صالح با نام بردن از احمد بن حنبل، عبدالرحمن بن مهدی و عبدالله بن مبارک که از محدثان بزرگ اهل سنت‌اند، اذعان می‌دارد که ایشان قائل به این مطلب هستند که هنگام روایت حلال و حرام، سختگیری می‌کنند؛ اما هنگام نقل روایات فضایل و مانند آن، سهل می‌گیرند (صبحی صالح، ۱۳۹۵: ۲۱). با این اوصاف، از منظر عالمانی که قائل به قاعده تسامح در ادله سنن هستند، دیدگاه ابن حجر، مردود و غیرقابل پذیرش است.

اما در سوی مقابل، عده دیگری از فقها و اصولیان قرار دارند که با رد قاعده تسامح در ادله سنن، این قاعده را ناکارآمد و مخدوش می‌شمارند. ابن حجر در زمره این عالمان قرار می‌گیرد. از منظر این عالمان، اثبات حکم شرعی هرچند استحباب و کراهت، به گونه‌ای که بتوان آن را به شارع مقدس نسبت داد، نیازمند دلیل متقن و معتبر است (ر.ک: عاملی، ۱۴۱۰: ۳۱/۱؛ بحرانی، ۱۳۷۹: ۱۹۷/۴). همان گونه که برخی از محققان بیان داشته‌اند، این ادعای مشهور که می‌توان الغای شرایط حجیت خبر واحد در اخبار مرتبط با احکام غیر الزامی را از روایات «مَنْ بَلَغَ» استفاده نمود، مخدوش به نظر می‌رسد؛ چراکه مضمون بیشتر این روایات «بلوغ ثواب» و مضمون برخی دیگر «بلوغ خیر» است و بدون شک دو تعبیر «ثواب» و «خیر» طبق شواهدی از آیات و روایات (۸۵ مائده؛ ۳۶ مطففین؛ ۱۸۴ بقره؛ صدوق، ۱۳۹۸: ۴۰۶)، افزون بر عمل استحبابی، شامل واجب نیز هستند، با این تفاوت که پیامد ترک واجب، استحقاق عقاب است برخلاف ترک مستحب (کلاتنری، ۱۳۸۹: ۱۲).

خلاصه سخن آنکه در مواجهه با قاعده تسامح در ادله سنن و روکرد اساسی وجود دارد: عده‌ای از عالمان فریقین با تفسیری که آمد آن را پذیرفته و عده دیگری آن را رد کرده‌اند. مطلب قابل توجه آنکه در نظر عالمانی که این قاعده را مردود دانسته‌اند نیز تفاوت وجود دارد. عده‌ای همچون ابن حجر عسقلانی با انکار قاعده تسامح در ادله سنن و با اتکای صرف به نقد سندی و رجالی احادیث، از اساس، روایات فضایل را کنار نهاده‌اند؛ اما عده دیگری راهی برای استفاده از این روایات باز گذاشته‌اند. براساس این دیدگاه، هرچند این اخبار بر استحباب دلالت ندارند، اما اگر عملی به عنوان امید ثواب و احتمال مطلوب بودن انجام شود، ثواب بر آن مترتب می‌شود. در صورتی که عمل درواقع اشتباه بوده و کسی به خاطر یک روایت ضعیف آن را امتثال کرده است، امکان دارد خداوند ثوابی به عنوان تقصّل به او عنایت فرماید، هرچند این تقصّل الهی کاشف از این نباشد که آن عمل رجحان دارد و مستحب است؛ چون استحباب، حکم شرعی است و دلیل می‌خواهد و هر تقصّل کاشف از استحباب نبوده و ملازم با استحباب نیست (عراقی، ۱۴۲۰: ۲۰۶/۲ - ۲۰۷؛ خویی، ۱۴۲۲: ۳۱۹/۲؛ روحانی، ۱۴۱۳: ۵۲۵/۴ - ۵۲۶).

۴. نتیجه‌گیری

تحلیل نقادانه دیدگاه ابن حجر عسقلانی از محدّثان برجسته اهل سنت درباره روایات فضایل ماه رجب که در اثر او با عنوان تبیین العجب بما وُرد فی شهر رجب بازتاب یافته، حاکی از آن است که طبق باور او، درباره فضیلت ماه رجب، اعمال و مناسک مستحبی آن، روایت صحیحی که صلاحیت و حجّیت عمل داشته باشد، وارد نشده است. وی با ردّ دیدگاه قائلان به تسامح در پذیرش روایات فضایل و با بررسی صرف سندی روایات و نشان دادن ضعف آنها، بیان می‌دارد که عمل به چنین احادیث ضعیفی، زمینه‌ساز این امر می‌شود که عاملان به این روایات به طور تدریجی و در اثر تکرار عمل به این نوع روایات، کم‌کم گمان برند که این روایات، سنتی از سنن شرع بوده و فراموش کنند که اینها روایاتی ضعیف هستند. ارزیابی نظریات ابن حجر نشان می‌دهد که دیدگاه وی با اشکالات روشی و مبنایی مواجه است:

۱. وی در برخی موارد ضعف سند به دلیل ارسال خفی و جلی و وجود راویان غیرتقه و مجهول الحال را با موضوع دانستن حدیث خلط کرده و برخی روایات را صرفاً به دلیل نداشتن سند معتبر در زمره موضوعات قرار داده است. برخلاف این دیدگاه، باید توجه داشت که بر اساس هیچ یک از اشکالات

مختلفی که موجب ضعف حدیث می‌شوند نمی‌توان به موضوع و ساختگی بودن حدیث حکم داد و کاملاً آن را رد کرد. چه بسا حدیثی به لحاظ سند، ضعیف باشد، اما با توجه به شواهد و قرائن دیگر، متن آن پذیرفته شود و مورد عمل قرار گیرد و این چنین در زمره احادیث مقبول واقع شود.

۲. دقت در روش ابن حجر نشان می‌دهد که وی صرفاً از منظر سندی و رجالی به بررسی روایات پرداخته و چندان به نقد محتوایی و متنی احادیث اهتمامی نداشته است. حال آنکه اگرچه بررسی سند شرط لازم برای نقد احادیث به شمار می‌آید اما شرط کافی نیست. چه بسا سند روایتی صحیح نباشد، اما مضمون و محتوای آن به گونه‌ای باشد که روایات دیگر آن را تصدیق نمایند یا لا اقل تکذیب نکند.

۳. اشکال سوم به ابن حجر به نوع نگاه و مبنای او مبتنی بر عدم تسامح در پذیرش روایات فضایل وارد است. از منظر عالمانی که به تسامح در ادله سنن قائل‌اند، دیدگاه ابن حجر مخدوش است؛ اما از منظر عالمانی که این قاعده را انکار می‌کنند نیز دیدگاه او قابل خدشه است. دیدگاه صواب آن است که هرچند این اخبار بر استحباب دلالت ندارند، اما اگر عملی به عنوان امید ثواب و احتمال مطلوب بودن انجام شود، ثواب بر آن مترتب می‌شود.

به منظور رفع اشکالی که ابن حجر درباره سنت‌پنداری روایات ضعیف این چنینی بیان داشته، پیشنهاد نگارندگان آن است که در کنار هر مستحب و مکروهی که مستند کاملی ندارد تذکر داده شود و با تأویل مفاد روایات، شرایط لازم برای بهره جستن از روایات فضایل نیز تبیین گردد. به سخن دیگر، شایسته است در بیان روایات فضایل، صرفاً به نقل این روایات و پذیرش بی‌چون و چرای آنها اکتفا نگردد؛ بلکه با ذکر روح حاکم بر این اعمال و تبیین مقصود و مطلوب شارع، شروط بهره جستن از مفاد این روایات برشمرده شود؛ شروطی که عدم التزام به آنها، نه تنها عمل‌کننده به این روایات را به اجر و ثواب نمی‌رساند، بلکه وی را از مقصود دورتر می‌کند.

کتاب‌نامه

قرآن کریم.

۱. ابن تغری، یوسف بن تغری، (۱۳۹۱ق)، النجوم الزاهرة، به کوشش: ابراهیم علی طرخان، قاهره: وزارة الثقافة و الارشاد القومي.

۲. ابن حجر عسقلانی، (بی تا)، تبیین العجب بما ورد فی شهر رجب، تحقیق: طارق بن عوض الله الدارعمی، بی جا: مؤسسه قرطبه.
۳. ابن عرفه، حسن، (۱۴۰۶ق)، جزء، کویت: دارالأقصى.
۴. ابن عماد، عبدالحی بن احمد، (۱۳۵۰ق)، شذرات الذهب، قاهره: مكتبة القدسی.
۵. ابن فهد حلّی، (۱۴۰۷ق)، عدة الداعی و نجاح الساعی، قم: دار الكتاب الاسلامی.
۶. ابویعلی موصلی، (۱۴۰۴ق)، مسند ابی یعلی، دمشق: دارالمأمون.
۷. انصاری، مرتضی بن محمد، (۱۴۱۴ق)، رسائل فقهیه، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ انصاری.
۸. ایزدی، مهدی، (۱۳۹۰ش)، «ملاک های نقد متن حدیث بر اساس منابع روایی فریقین»، مطالعات قرآن و حدیث، سال ۴، شماره ۲، صص ۵ - ۲۶.
۹. بحرانی، یوسف، (۱۳۷۹ش)، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرّسین حوزه علمیه.
۱۰. برقی، احمد بن محمد خالد، (۱۳۷۱ق)، المحاسن، قم: دارالکتب الاسلامیه.
۱۱. بستانی، قاسم؛ خنشا، علیرضا، (۱۳۹۹ش)، «اعتبارسنجی و ارزش گذاری دعای ولّاه امر در ادعیه ماه رجب»، مطالعات فهم حدیث، سال ۷، شماره ۱۳، صص ۸۵ - ۱۰۷.
۱۲. بکری دمیاطی، (۱۴۱۸ق)، إعانة الطالبین علی حل ألفاظ فتح المعین، بیروت: دارالفکر.
۱۳. حرّعاملی، محمّد بن الحسن، (۱۴۱۸ق)، الفصول المهمّة، قم: مؤسسه معارف اسلامی امام رضا (ع).
۱۴. _____، (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۱۵. خوانساری، حسین بن جمال الدین، (۱۳۱۱ق)، مشارق الشّمس فی شرح الدروس، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۱۶. خویی، ابوالقاسم، (۱۴۲۲ق)، مصباح الأصول، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
۱۷. ربیع نتاج، سید علی اکبر؛ اکبری، زهرا، (۱۳۹۱ش)، «کاوشی در دعای ام داوود»، مطالعات قرآن و حدیث سفینه، شماره ۳۶، صص ۸۲ - ۱۰۵.
۱۸. روحانی، محمّد، (۱۴۱۳ق)، منتقى الأصول، قم: دفتر آیت الله سید محمد حسینی روحانی.

۱۹. ژیان، فاطمه، (۱۳۹۹ش)، «بررسی و داوری ادله بی اعتباری روایت لیلۃ الرغائب»، علوم حدیث، شماره ۹۵، صص ۱۱۴ - ۱۴۳.
۲۰. سبحانی، محمد؛ محرمی، فاطمه، (۱۴۰۳ش)، «اعتبارسنجی و پاسخ به شبهات دعای یا مَنْ أَرْجُوهُ با رویکرد تحلیلی»، دعاپژوهی، شماره ۷، صص ۲۱۷ - ۲۳۸.
۲۱. سبزواری، محمدباقر بن محمد مؤمن، (۱۲۷۴ق)، ذخیره المعاد فی شرح الارشاد، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۲۲. سخاوی، محمد بن عبدالرحمن، (۱۴۱۹ق)، الجواهر والدرر فی ترجمة شیخ الإسلام ابن حجر، بیروت: دار ابن حزم.
۲۳. سید علوی، سید ابراهیم، (۱۳۷۸ش)، «تعلیقات علامه طباطبائی بر بحار الأنوار»، چاپ شده در: شناخت نامه علامه مجلسی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۴. شریینی، محمد، (۱۳۷۷ق)، مغنی المحتاج، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۵. شوشتری، محمدتقی، (۱۴۳۹ق)، الأخبار الدخيلة، تصحیح: محسن عقیل، بیروت: دار المحجة البيضاء.
۲۶. شهید اول، محمد بن مکی، (۱۴۱۹ق)، ذکرى الشيعة فى أحكام الشريعة، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۲۷. شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۳۸۱ش)، الرعاية لحال البداية فى علم الدراية، قم: بوستان کتاب.
۲۸. _____، (۱۴۱۳ق)، مسالك الأفهام، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
۲۹. صبحی صالح، (۱۳۹۵ق)، علوم الحديث و مصطلحه، بیروت: دار الملايين.
۳۰. صدوق، محمد بن علی، (۱۳۹۸ق)، التوحيد، قم: نشر اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۳۱. طباطبائی، سید علی بن محمد، (۱۴۰۴ق)، ریاض المسائل، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۳۲. طباطبائی، محمدحسین، (۱۳۹۳ق)، المیزان، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۳۳. طهرانی، آقابزرگ، (۱۴۰۳ق)، الذریعة الى تصانیف الشيعة، بیروت: دارالأضواء.

۳۴. طیب حسینی، سید محمود، (۱۳۹۷ش)، «بررسی اعتبار روایت لیلۃ الرغائب و تحقیق در معنای رغائب»، حدیث پژوهی، شماره ۱۹، صص ۲۷۹ - ۳۰۰.
۳۵. عاملی، سید محمد، (۱۴۱۰ق)، مدارک الأحکام، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۳۶. عراقی، ضیاء الدین، (۱۴۲۰ق)، مقالات الأصول، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۳۷. غروی نائینی، نهله، (۱۳۹۸ش)، نقد و بررسی احادیث موضوعه، تهران: انتشارات نیا.
۳۸. غفوری نژاد، محمد، (۱۴۰۰ش)، «متن کاوی، اعتبارسنجی و دلالت پژوهی روایات دعای یا مَنْ أَرْجُوهُ لِكُلِّ خَيْرٍ»، علوم حدیث، شماره ۹۹، صص ۵۰ - ۶۷.
۳۹. فاضل هندی، محمد بن الحسن، (۱۴۰۵ق)، کشف اللثام، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
۴۰. کریمی مقدم، صادق، (۱۴۰۰ش)، «بررسی تحلیلی سند و متن دعای رجبیه امام صادق (ع)»، دعا پژوهی، شماره ۱، صص ۱۴۴ - ۱۶۷.
۴۱. کلانتری، علی اکبر، (۱۳۸۹ش)، «تسامح در ادله سنن قاعده ای ناکارآمد»، فصلنامه علوم اسلامی، سال ۵، شماره ۱۷، صص ۱ - ۲۱.
۴۲. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۴۳. مامقانی، عبدالله، (۱۴۱۱ق)، مقباس الهدایة فی علم الدراية، قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.
۴۴. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۴۵. _____، (۱۴۰۴ق)، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۶. مراغی، عبدالفتاح بن علی، (۱۴۱۷ق)، عناوین الأصول و قوانین الفصول، قم: نشر اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۴۷. مسعودی، عبدالهادی، (۱۳۹۴ش)، وضع و نقد حدیث، قم: دارالحدیث و انتشارات سمت.
۴۸. معروف حسنی، هاشم، (۱۴۲۹ق)، الموضوعات فی الآثار و الأخبار، تحقیق اسامه ساعدی، قم: بی نا.
۴۹. مناوی، محمد عبدالرؤف، (۱۴۱۵ق)، فیض القدير فی شرح الجامع الصغير، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۵۰. میرداماد، محمدباقر، (۱۴۲۲ق)، الرواشح السماویة، تحقیق نعمت الله جلیلی و غلامحسین قیصریه ها، قم: دارالحدیث.

۵۱. نائینی، محمدحسین، (۱۴۰۹ق)، فوائد الأصول، قم: نشر اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۵۲. نجفی، محمدحسن، (۱۳۶۳ش)، جواهر الکلام، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۵۳. نراقی، احمد، (۱۴۰۸ق)، عوائد الايام، قم: مکتبه بصیرتی.
۵۴. نفیسی، شادی، (۱۳۹۴ش)، درایة الحديث؛ بازپژوهی مصطلحات حدیثی در نگاه فریقین، تهران: سمت.
۵۵. نووی، یحیی بن شرف، (۱۴۱۴ق)، الأذکار النوویة، بیروت: دارالفکر.
۵۶. —، (۱۴۱۷ق)، المجموع فی شرح المهذب، بیروت: دارالفکر.